



رئیس رسانه ملی با ادای احترام به همسر شهید سعیدزاده، از عوامل سریال «سوران» تجلیل کرد. رئیس رسانه ملی به سعدا حمزه‌ای، همسر شهید سعیدزاده که بیشترین بار رنج و سختی‌های این داستان واقعی را متحمل شده

است، ادای احترام کرد و یادآور شد: این کار ارزشمند، یک رسالت تاریخی بود که با همت تیم سازنده انجام شد. از سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری و سازمان سینمایی سوره نیز برای روایت این داستان واقعی و جلوگیری از تحریف تاریخ قدردانی می‌کنم. پیمان جبلی درباره حساسیت کار دست اندرکاران «سوران»، در ترسیم شرایط خاص برهه تاریخی روایت داستان و نیز افشای جنایات گروهک کومله نیز سخن گفت و افزود: به تصویر کشیدن این بخش از تاریخ معاصر، روایت‌های دروغین درباره گروهک‌هایی چون کومله و دموکرات را خنثی می‌کند و نسل جوان و نوجوان امروز و حتی نسل‌های بعدی را از پس پرده ادعاهای رنگارنگ آن‌ها و ماهیت جنایت‌هایی که رقم زدند، آگاه می‌کند. در ادامه سروش محمدزاده، کارگردان مشه‌دی این مجموعه نمایشی، با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید به‌طور جدی در آینده مدنظر قرار بگیرد، ساخت یا توسعه شهرک‌های سینمایی است. افزود: ساده‌ترین روزهای فیلم‌برداری ما در شهرک غزالی گذشت و ساخت و توسعه شهرک‌ها برای چنین سریال‌هایی که در تاریخ معاصر می‌گذرند، می‌تواند راهگشا باشد، ضمن آنکه باعث می‌شود تولید ارزان‌تر تمام شود.



از ابتدای امسال تا پایان مردادماه، یازده سریال جدید در شبکه‌های تلویزیونی پخش شده است. براساس آمار به‌دست‌آمده از تلویویون تا پایان مرداد، «عشق کوفی»، پربازدیدترین سریال تابستان است

و پشت سر آن «بازپرس» و «سوران» دیده می‌شود. سریال «عشق کوفی»، محصول جدید سازمان اوج است که سال پیش به کارگردانی حسن آخوندپور، فیلم‌ساز مشه‌دی، کلید خورد. این سریال تاریخی عاشورایی پنجشنبه و جمعه‌ها از شبکه ۳ پخش می‌شود. برای «عشق کوفی» پس از ۹ قسمت، میانگین ۱۲۳ هزار بازدید برای هر قسمت ثبت شده است. مجموع بازدید آن هم تا پایان مرداد به بیش از یک میلیون مشاهده رسید. همچنین «عشق کوفی» در فهرست ۱۰ پربازدید یک ماه اخیر تلویویون قرار گرفته است. سریال «بازپرس» به کارگردانی احمد مغانلی تا پایان مرداد ۲۳ قسمت روی آنتن شبکه یک رفت و هر قسمت آن به‌طور میانگین ۱۰۸ هزار بار دیده شد.

این سریال شبانه به بررسی پرونده‌های مفاسد اقتصادی می‌پردازد و مجموع بازدید آن در تلویویون دوونیم میلیون است. همچنین شبکه یک پس از پایان «کیلدخت»، «سوران» را که روایتی از مقاومت سوران، جوان آزاده‌گرد، در التهابات دهه ۵۰ منطقه کردستان است به شکل هفتگی روانه آنتن کرد. این سریال هجده قسمتی به کارگردانی سروش محمدزاده، فیلم‌ساز مشه‌دی، به میانگین هر قسمت ۸۱ هزار مشاهده دست یافت. آمار کل بازدید آن هم حدود یک‌ونیم میلیون بازدید است.



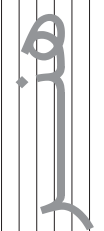
شبکه نسیم از آغاز پخش برنامه «مجلس واقعه» با اجرای آریا عظیمی نژاد خبر داد. به گزارش تسنیم، «مجلس واقعه» ویژه‌برنامه ماه صفر به تهیه‌کنندگی سیدمصطفی احمدی از تاریخ ۹ شهریور ه‌رشب ساعت ۱۲۳ از شبکه

نسیم روی آنتن می‌رود. برنامه «مجلس واقعه» یک برنامه گفت‌وگویی نمایشی است و در هر قسمت یک مجلس تعزیه تلویزیونی در برنامه برپا می‌شود. هر قسمت هم یک موسیقی عاشورایی ویژه دارد و برای هر قسمت قطعه‌ای ویژه تولید می‌شود.



فراخوان چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر منتشر شد. به گزارش ایسنا، این فراخوان در بخش‌های نمایش صحنه‌ای، تئاتر خیابانی، تئاتر ملل، تئاتر دانشجویی، مسابقه نمایشنامه نویسی، نمایش تلویزیونی، رادیوتئاتر، مسابقه و نمایشگاه عکس و پوستر تئاتر، پژوهش و کارگاه‌های آموزشی به دبیری مهدی حامد سقاییان برای برگزاری در بهمن ۱۴۰۲ منتشر شد.

فراخوان این دوره از جشنواره اما با تغییراتی همراه است و شاید مهم‌ترین تفاوت آن در قیاس با دوره‌های پیشین، اضافه شدن بخش دانشجویی باشد.



نمایی از فیلم «بی‌مادر»

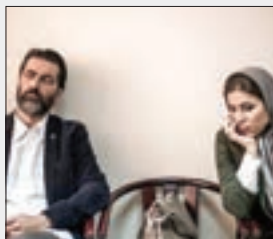
معصومیت تباه شده

روایتی از مرگ بچه‌ها در سینما و شبکه خانگی ایران

محمد عنبرسوز



یکی از ایده‌های عجیب و شوکه‌کننده سینمای ایران در سال‌های اخیر موضوع مرگ بچه‌هاست که به نظر می‌رسد دامنه‌اش به شبکه نمایش خانگی هم کشیده شده است. شاید بیراه نباشد، اگر بگوییم که بس‌ذر این ایده را فیلم‌های تحسین‌شده اصغر فرهادی، یعنی «جدایی نادر از سیمین» (مرگ جنین) و



کارگردان سریال «کرگدن»، در سال ۱۳۹۳ فیلمی به نام «شکاف» را با یک تیم بازیگری سرحال ساخت که اساسا اثری تلخ بود. ماجرای «شکاف» بین دو زوج جوان می‌گذرد که یک

زوج در تدارک بچه‌دار شدن هستند، اما اختلافات زوج دیگر که فرزند هم دارند، به اوج خود رسیده است. در این میان، مرگ این کودک قرار است تأثیر رفتار ناسالم والدین و بی‌مسئولیتی ایشان را برکشانده‌شدن فرزند به‌ورطه‌نابودی نشان دهد. انتخاب مرگ کودک اما در این فیلم بیشتر جنبه احساسی دارد و شیده فیلم‌ساز محسوب می‌شود؛ زیرا برای نشان دادن تأثیر بی‌صلاحیتی والدین بر سرنوشت فرزند، تمهیدات سینمایی هوشمندانه‌تری هم ممکن بود، چیزی شبیه به انتخاب هومن سیدی در فیلم «سیزده».



مصطفی تقی‌زاده در اولین تجربه کارگردانی فیلم سینمایی بلند خود، اثری با نام «زرد»، را روانه پرده نقره‌ای کرد که چندان به مذاق مردم و منتقدان خوش نیامد. این فیلم پربازیرگ داستان چند

جوان را روایت می‌کند که قصد رفتن به ایتالیا برای یک رویداد علمی مهم را دارند، اما در واپسین گام درگیر مشکلاتی می‌شوند. در یکی از سکانس‌ها دو شخصیت اصلی در ماشین هستند و ناگهان به نظر می‌رسد که روی یک سرعت‌گیر رفته‌اند، خیلی زود اما روشن می‌شود که یک انسان -دست‌برقضا یک کودک- را زیر گرفته‌اند. بدبختانه سن‌فرد زیر گرفته‌شده هیچ تأثیر مشخصی بر روند فیلم‌نامه ندارد و این انتخاب صرفا تلاشی برای میخکوب کردن مخاطب و برانگیختن احساسات اوست.



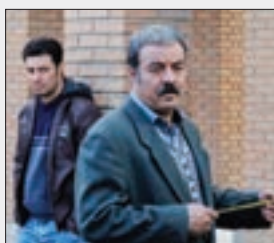
فیلم تازه اکران شده «بی‌مادر»، که روایت خود را از بچه‌دار نشدن یک زوج پول‌دار و تلاششان برای استفاده از رحم اجاره‌ای یک زن فقیر آغاز می‌کند، در پیچ اصلی قصه به مرگ

کودکی می‌رسد که فرزند همین زن صاحب رحم اجاره‌ای است. کارگردان «بی‌مادر» در پرداختن به این مرگ کاملاً حد ننگه می‌دارد و نمی‌خواهد با نماهای گل‌درشت و بی‌پرده، مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، بی‌مرگ جزو ضروریات متن است و نویسنده با هیچ روشی نمی‌توانسته است از آن صرف‌نظر کند. باین‌همه ضعف‌های فنی و هنری جو‌رواجور در «بی‌مادر»، باعث می‌شوند که اولین فیلم فاطمی اثری متوسط لقب بگیرد و رویکرد موجه کارگردان در این مورد خاص چندان به چشم نیاید.



نیما جاویدی، پیش از آنکه با آثاری همچون «سرخ‌پوست» و «آکتور» در بین مخاطبان سینما و شبکه خانگی به محبوبیت برسد، در اولین تجربه کارگردانی فیلم سینمایی بلند

خود چندان موفق نبود و «ملبورن»، برخی واکنش‌های منفی و تند را برانگیخت. این فیلم قصه یک زوج جوان است که در آستانه مهاجرت هستند، اما ناگهان همسایه‌شان از آن‌ها می‌خواهد که نوزادش را برای مدت کوتاهی نگه دارند. این نوزاد اما فوت می‌کند و بحرانی تمام‌عیار گریبان زن و شوهر اصلی قصه (پیمان معادی و نگار جواهریان) را می‌گیرد. این انتخاب خاص، اگرچه موتور محرک درام و دست‌مایه‌ای برای ایجاد تعارض اخلاقی شخصیت‌هاست، به‌تصویر کشیدن برهنه و بی‌ملاحظه آن باعث رنجش خاطر مخاطب می‌شود.



«پیلوت» دومین ساخته ابراهیم ابراهیمیان، هم‌مثل برخی دیگر از آثار این فهرست، اثری درباره اختلافات یک زن و شوهر است که به قدر کافی در قبال فرزندشان

مسئولیت‌پذیر نیستند. مرگ کودک اما جریان اثر را وارد مرحله تازه‌ای می‌کند و در یکی از سکانس‌های عجیب فیلم، پدری را می‌بینیم که رسماً جنازه فرزند خود را برای یک هدف مادی کم‌اهمیت گروگان می‌گیرد. ابراهیمیان اساسا فیلم‌سازی است که دل‌بستگی خاصی به مفهوم مرگ دارد و سه فیلم سینمایی او بر اساس یک مرگ شکل می‌گیرند. باین‌همه او در استفاده از مرگ کودک در «پیلوت»، باتوجه به سکانس‌های سردخانه و قبرستان، زیاده‌روی کرده است و اگر بازی روان جواد عزتی نبود، «پیلوت»، مخاطب را آزار می‌داد.



سریال جدید شبکه نمایش خانگی با عنوان «پدر گوار دیولا»، از دیگر آثاری است که مرگ یک بچه (پسر گوار دیولا) را در آن شاهدیم. قصه دومین سریال

سعید نعمت‌ا... در مقام کارگردان، بر اساس دو شخصیت اصلی طراحی شده که یکی از آن‌ها قبلاً فوتبالیست محبوبی بوده است ولی با رانندگی در حالت غیرطبیعی، فرزندش را به کشتن می‌دهد و بعدتر به کارتن خوابی می‌رسد. در سکانس پایانی از اپیزود صفر این مجموعه که به گذشته شخصیت‌ها اختصاص دارد، تصادف و کشته شدن بچه به‌وضوح به‌تصویر کشیده می‌شود، درحالی‌که الزامی برای این میزان از صراحت وجود ندارد و می‌شده است با چند خط دیالوگ ساده نیز حق مطلب را در مورد این حادثه ادا کرد.



یک فیلم خانوادگی تلخ که قرار دادنش در ژانر موسوم به فلاکت چندان بیراه نخواهد بود، اولین تجربه کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد را رقم زده است. قصه «تابستان داغ» بر

بنیای ارتباط یک زوج مرفه و زنی فقیر که طلاق گرفته و از فرزند این زوج نگهداری می‌کند، شکل می‌گیرد. نمایش اختلاف طبقاتی شدید فضایی تلخ و متأثرکننده را به اثر تزریق کرده است، اما بحث برانگیزترین پلان فیلم احتمالا به سقوط کودک از پشت بام مربوط می‌شود که با بی‌ملاحظگی هرچه‌تمام‌تر جلوی دوربین رفته است تا ببیننده را شوکه کند. ترسناک‌ترین بخش ماجرا اما در سکانس پایانی رقم می‌خورد، جایی که می‌فهمیم پدر مرگ فرزند خود را دست‌انیزی قرار داده است تا نظر خود خواهان‌اش را به همسر خود تحمیل کند.



دومین فیلم بلند وحید جلیلود اثری شاخص و دیدنی از آب درآمد که نسبت به نخستین تجربه فیلم‌سازی او پیشرفت درخور توجهی داشت. «بدون تاریخ، بدون امضا» یک فیلم

خوش ساخت با ماه‌های پررنگ اخلاقی و اجتماعی است که با بهره‌گیری از بازی عالی نوید محمدزاده به اوج می‌رسد. موتور محرک درام بدون تاریخ، بدون امضا، نیز مرگ یک کودک است که به دو نما از جنازه می‌انجامد. در نوبه اول، فیلم‌ساز زیاده‌روی و نمای ناخوشایندی را از کودک بیچاره ثبت می‌کند. در نمای دوم و پس از نیش قبر اما کارگردان با هوشمندی جسد را خارج از قاب نگه می‌دارد و با استفاده از خاکی که از بند کفن بلند می‌شود، نمای درخشانی را ثبت می‌کند.



«حیثیت گم‌شده»، دومین مجموعه نمایش خانگی سجاد پهلوان‌زاده، اثری خانوادگی و معمایی است که سریالی خوش ساخت محسوب می‌شود و از کیفیت بالایی در

اجرا بهره می‌برد. در قسمت اول، زنی به نام هاجر یک نوزاد بی سرپرست را به خیابان می‌برد تا احتمالا بتواند با این پوشش کار خلاق را به انجام برساند. هاجر ناگهان متوجه مرگ نوزاد می‌شود و از شدت فشاری که بر او تحمیل شده است، خودش را جلوی یک ماشین می‌اندازد. مرگ این نوزاد یک نکته فرعی در سریال است که می‌توانست لااقل کم‌رنگ‌تر باشد. کارگردان اما نه‌تنها بر نمایش مفصل این مرگ تأکید دارد، بلکه در کمال جسارت، از چهره نوزاد مرده نمای بسته می‌گیرد تا بدن مخاطب خود را به لرزه درآورد.